



## یادگارنامه

### دکتر محمد محمدی ملایری

#### سهیلا یوسفی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی  
soheilayosefi@yahoo.com

می‌گیرد به چند تن از پیشگامان ایرانی تبار تأثیرگذار در تدوین موسیقی به زبان عربی می‌پردازد: ابن مسجّع، نخستین کسی که در آواز عربی تصرف کرد و به آهنگ‌سازی پرداخت و دیگران از او پیروی کردند؛ ابن سُرَیج، نخستین کسی که آواز ایرانی را با عود خواند و نواخت؛ غریض، از شاگردان ابن سُرَیج که نخست نوحه‌خوان بود و بعد به آوازخوانی روی آورد؛ ابن محرز، نخستین خواننده آهنگی که به نام رمل معروف شده است؛ معبد، از بهترین خوانندگان که او را بر طویس و سُرَیج پیشگام دانسته‌اند؛ مالک، که به نقل از صاحب الاغانی (ج ۴، ص ۲۳۶ ب) در آهنگ‌ها دست می‌پرد؛ یونس کاتب، استاد ابراهیم موصلی و شاگرد معبد و ابن سُرَیج و ابن محرز؛ ابراهیم موصلی، از پیشگامان شناخته شده موسیقی عربی در دوران اسلامی و یکی از عوامل فعال در پیشرفت و گسترش آن بر پایه موسیقی ایرانی؛ و اسحاق موصلی، فرزند ابراهیم موصلی که علاوه بر موسیقی، در ادب و لغت و تاریخ و فقه و کلام از عالمان زمان خود شمرده می‌شد.

در این بخش، نگارنده نخست نموداری از مسیر طبیعی این هنر را از بدو ورود موسیقی ایرانی به سرزمین اعراب تا زمان اوج شهرت و گسترشش در زمان اسحاق موصلی ترسیم می‌کند و به اصطلاح سیر موسیقی عملی را نشان می‌دهد. سپس به پیوند میان موسیقی عملی و موسیقی نظری (که از کتب یونانی سرچشمه می‌گرفت) در نوشته‌های علما و فلاسفه اسلامی می‌پردازد.

یادگارنامه محمد محمدی ملایری، بیست و یک گفتار همراه بابخش منتشر نشده از تاریخ و فرهنگ ایران (موسیقی ایرانی در دوره ساسانیان)، به خواستاری منوچهر ستوده و ایرج افشار، به کوشش محسن باقرزاده، شمارگان ۲۰۰۰، تهران: توس، ۱۳۹۲ ش.

از جمله آداب نیکی که از دیرباز در محافل دانشگاهی و فرهنگی جای خود را به‌خوبی باز کرده و به یک سنت حسنه بدل گشته است، برپایی مراسم یادبود و نیز انتشار جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌هاست. یادگارنامه دکتر محمد محمدی ملایری یکی از این کتاب‌هاست که مجموعه‌ای از نوشته‌های دوستان و همکاران او را دربر دارد.

یادگارنامه در ۴۶ صفحه، و دارای دو بخش است. در مقدمه کوتاهی که به قلم شاهرخ محمدی ملایری، فرزند دکتر محمد محمدی ملایری، نوشته شده، آمده است:

یادداشت‌های پیوست، به مجموعه تاریخ و فرهنگ ایرانی که حاصل یک عمر تحقیقات ایشان بود و انتشارات توس آن را در شش جلد منتشر نموده است، بازمی‌گردد که زمینه موسیقی ایرانی در دوران قبل از اسلام و نحوه انتقال آن به دوران اسلامی در آن ناتمام مانده بود. پدرم در نظر داشتند که موسیقی را جلد هفتم مجموعه تاریخ و فرهنگ ایران قرار بدهند. یادداشت‌های پیوست شرح حال تعدادی از موسیقی‌دانان ایرانی در دوره اسلامی است به همان نحوی که پدرم پیش‌نویس کرده بودند بدون دخل و تصرف.

مقدمه ۴۶ صفحه‌ای که بخش نخست یادگارنامه را دربر

در بخش دوم کتاب با عنوان «بیست و یک گفتار»، ابتدا سالشمار زندگی و فهرست آثار دکتر محمد محمدی ملایری به قلم ایران‌ناز کاشیان آمده، و سپس یادداشتی که زنده‌یاد ایرج افشار در سال ۱۳۸۷ در معرفی این جشن‌نامه نوشته و به معرفی کوتاه هریک از نوشتارهای کتاب پرداخته است. معرفی مختصری که استاد افشار از این بخش کرده هم به سبب اینکه بسیار جامع و گویاست و هم به جهت گرامیداشت یاد ایشان، عیناً در اینجا آورده می‌شود:

**نخستین گفتار:** گفته‌های شنیدنی است به قلم [منوچهر] ستوده که با ملایری در دوره دانشجویی در دانشسرای عالی هم‌عصر بوده است. پس از آن هر دو استاد دانشکده هیات و معارف شده‌اند. ملایری اصولاً دروس مربوط به ریشه‌های فرهنگ ایرانی را در آن دانشکده تدریس می‌کرد و ستوده جغرافیای تاریخی ایران و کتیبه‌پردازی دوره اسلامی را.

**دومین گفتار:** از دکتر حسین آذران به موضوعی اختصاص دارد که تاکنون در نوشته‌های فارسی مطرح نبود و آن نشان دادن تکواژهای فارسی است که به زبان سوئدی راه یافته و در این گفتار نمونه‌وار چهل و سه تا نشان داده شده است.

**سومین گفتار:** از پرویز اذکایی است به عنوان بلاشگردهای ایران. موضوعی است در قلمرو جغرافیای تاریخی. از این نوشته درمی‌یابیم که در حوالی حیره، بغداد، فراهان، ساوه، خوزان، ماهیدشت، ملایر و نظایر آن‌ها آبادی‌هایی بوده‌اند که نام ولاشگرد یا نام‌های نزدیک بدان داشته‌اند، برخی اشکانی بوده‌اند و برخی ساسانی.

**چهارمین گفتار:** از محمد حسین اسلام‌پناه اختصاص دارد به معرفی معماری و گذشته دو بنا در کرمان: یکی رباط بعلی‌آباد (بالی‌آباد - والی‌آباد) و دیگری قلعه گرگین، و رسیدگی هوشمندانه به اینکه آیا ممکن است قلعه گرگین آتشکده بوده باشد.

**پنجمین گفتار:** از احمد اشرف درباره نحوه انتقال فرهنگ عصر ساسانی به عصر اسلامی است بر مبنای نگاهی جامعه‌شناختی. طبعاً سراسر مرتبط است با اندیشه بلندی که ملایری در این زمینه مطرح کرد و از پایه‌گذاران بود.

**ششمین گفتار:** از احمد اقتداری است درباره موضوعی تاریخی و اساسی مربوط به چگونگی برخورد عرب با جامعه

ایران. باز مرتبط است با نحوه تفکر ملایری و احترامی که اقتداری همیشه نسبت به تألیفات ایشان داشته است و دارد.

**هفتمین گفتار:** از رضا انزابی نژاد «یاقوت و دو مروارید» نام دارد. مراد از این عنوان، دو کتاب معجم البلدان و معجم الادبای یاقوت حموی است و مقام علمی آن‌ها نزد پژوهشگران. این دو کتاب از امهات متونی است که جغرافیای تاریخی و تاریخ فرهنگی (سرگذشت‌ها) سرزمین‌های مسلمان در بر گرفته است و همیشه از مراجع اساسی برای تحقیق‌اند.

**هشتمین گفتار:** ترجمه نوشته‌ای است از شادروان مری بویس به قلم مرتضی ثاقب‌فر درباره اینکه دین کورش بزرگ چه می‌بوده است و از منابع دلپسند ایرانشناسی است که با دنیای هخامنشی آشنایی ژرف دارد [کذا].

**نهمین گفتار:** از مارتین وست به ترجمه فاطمه جدلی است درباره عروج داریوش به بهشت.

**دهمین گفتار:** نوشته مصطفی جیحونی است درباره واژه‌های پهلوی، پهلوان، پهلوی، پهلوانی، با شواهد ضروری از شاهنامه فردوسی، موضوعی پهن‌آور و مرتبط به هم.

**یازدهمین گفتار:** از دکتر پرویز رجبی است درباره پیشینگی شهر کاشان به هنگام فروپاشی فرمانروایی ساسانی و آستانه اسلامی شدن ایران.

**دوازدهمین گفتار:** از دکتر محمد تقی راشد محصل، گزارشی است از فصلی از کتاب دینکرد به زبان پهلوی. چون این بخش تا کنون به فارسی ترجمه نشده بود نویسنده ارائه آوانویسی و ترجمه آن را به این مجموعه اختصاص داده است.

**سیزدهمین گفتار:** از دکتر محمد رضا راشد محصل «دو جستار در یک گفتار» نام دارد: بخش نخست سنجش و تحلیلی است از ارائه برجستگی کتاب تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی یعنی تألیف محمد محمدی ملایری با عنوان «بازیابی و بازگویی جلوه‌های پایدار فرهنگ ایرانی در تمدن اسلامی». دومین جستار که عنوان «بازجست جلوه‌های فرهنگ ایرانی از خلال ترفندهای تبدیلی» دارد به مباحث جغرافیایی - عوامل شکست - ظرفیت‌های فرهنگ ایران پرداخته شده است. مباحثی که از تازگی برخوردار می‌باشد.

**چهاردهمین گفتار:** از محمد حسین ساکت، نگاهی است

است که بررسی هر مقاله آن باید توسط اهل فن همان رشته انجام گیرد. در اینجا تنها به یادکرد چند اشکال قابل ذکر اکتفا می‌شود به امید اینکه در چاپ‌های بعد اثر و نیز دیگر کتاب‌ها شاهد تکرار موارد این چنینی نباشیم.

با وجود زحمات و هزینه بسیاری که نشر یک کتاب به همراه دارد، اما متأسفانه آثار چاپی هرگز خالی از اشکال نیست؛ گویی چاپ بدون غلط آرزوی دست نیافتنی است. باری باید کوشید و اشکالات صوری و مطبعی را به حداقل رساند و از اغلاط بسیار ساده و آشکاری که نشان از عدم حضور ویراستار در نشر یک اثر و یا عدم دقت کافی او دارد جلوگیری کرد. یادگارنامه دکتر ملایری نیز خالی از ایرادات صوری و ظاهری نیست.

در فهرست مطالب کتاب «بخش منتشر نشده از تاریخ و فرهنگ ایران» به عنوان بخش اول آمده است، گویی که کتاب بخش دومی هم در ادامه دارد در حالی که ظاهراً این گونه نیست (اگرچه در واقع چنین است) و پاره دوم کتاب با عنوان «بیست و یک گفتار» آمده است که می‌بایست در کنار آن عبارت «بخش دوم» قید می‌شد و گرنه آنجا که پاره دوم نیست عبارت «بخش اول» معنایی نمی‌یابد.

از مواردی که در بخش نخست کتاب به چشم می‌خورد، عدم تقسیم‌بندی افراد و مباحث از لحاظ اهمیت پرداختن به آنهاست. در این کتاب بی آنکه تقسیم‌بندی ظاهری صورت بگیرد، این تقسیم در محتوا و حجم مطالب اتفاق افتاده است: یک بخش که به ابن مسجّع، ابن سُرّیج، غریض، ابن محرّز، معبد، مالک و یونس کاتب پرداخته و بخش دیگر که به ابراهیم موصلی و پسرش اسحاق و حوادث زندگی و آثار ایشان می‌پردازد.

درست است که در مقدمه، شاهرخ ملایری بسیار مختصر اشاره کرده که مبنا و اساس، حفظ دستنوشته‌های استاد محمد ملایری بوده است، اما به نظر نمی‌رسد که تقسیم‌بندی ظاهری، آن هم در فهرست مطالب کتاب، تحریف در متن به حساب آید. می‌شود در مقدمه و یا در فهرست مطالب با یک تقسیم‌بندی ساده خواننده را از سردرگمی نجات داد که چرا به یک فرد به طور مختصر و در حد چند سطر پرداخته شده و به دیگری مبسوط و در پانزده صفحه و از سفرها و آثارش تا به هنگام مرگ، زندگی او مورد بررسی قرار گرفته است. آیا اختصاص این

به کتاب مادیان هزاردادستان و رسیدگی به نوع اندیشه‌های موجود حقوقی در عصر ساسانیان، و برای آگاهی به تاریخ حقوق پیشینه در ایران مؤثر است.

**پانزدهمین گفتار:** از دکتر ساسان سپنتا نظری است بر تحلیل صورت شناختی آوای کلمات مصوت و صامت در زبان عربی بر پایه زبانشناسی امروزی. مبحثی است که در زبان فارسی تازگی دارد.

**شانزدهمین گفتار:** از چراغعلی اعظمی سنگسری است با عنوان «مقامات و مناصب و مشاغل و نام مردان و زنان زمان اشکانیان و ساسانیان».

**هفدهمین گفتار:** از حسین علیزاده غریب بازنویسی ترجمه کتیبه بیستون است از کارهای محمدتقی سپهر (لسان الملک) در سال ۱۲۶۳. اگرچه در مرآت البلدان چاپ شده بود، ولی انتشار آن پس سال‌های دراز و جوب داشت.

**هجدهمین گفتار:** از دکتر سیدحسن عباس (از هندوستان) معرفی خوبی است از سه نسخه شاهنامه مجلس دار موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندوی بنارس (هند).

**نوزدهمین گفتار:** از تیمور قادری «اخلاق و اخلاق‌مداری» نام دارد. ترجمه و تحلیل کتاب دینکرت ششم از زبان پهلوی است. مطالب بر حسب شش مقوله‌ای که از نظر اخلاقی مورد نظر نویسنده بوده در این گفتار مرتب شده است.

**بیستمین گفتار:** از دکتر کتایون مزدپور «عروس هزارداماد» عنوان دارد. بحثی است به منظور بازشناسی اینکه چرا جهان بی‌وفا را به زن تشبیه کرده‌اند. در اینجا نویسنده از لابه‌لای دینکرد رگه آن اندیشه را بازیابی کرده است.

**یکمین گفتار:** از دکتر مهشید میرفخرایی «زردشت سوشیانت» نام دارد. نویسنده در پایان پیشنهاد می‌کند که زردشت را می‌توان نخستین سوشیانتی دانست که از سوی اهورامزدا برای رهایی مردمان برگزیده شد.

چنان‌که فهرست مطالب کتاب نشان می‌دهد، یادگارنامه بر خلاف معمول کتاب‌هایی از این دست که بیشتر مطالب آن خاطرات دوستان فرد شایسته تجلیل را شامل می‌شود، بار علمی قوی‌تری دارد و این می‌تواند یکی از تفاوت‌های آن با سایر یادنامه‌ها به شمار آید. یادگارنامه از نظر محتوایی، به‌ویژه در پاره دوم، در برگیرنده نوشتارهای علمی متنوع و البته بسیار تخصصی

حجم مطلب به هر کدام از افراد به دلیل اهمیتشان و یا میزان تأثیری است که بر موسیقی عرب داشته‌اند یا دلیلی دیگر داشته است؟

گذشته از برخی اشکالات در ساختار کتاب، اغلاط مطبعی از جمله مواردی هستند که در کتاب یادگارنامه دکتر ملایری همچون هر اثر تازه‌منتشره‌ای به چشم می‌خورد؛ اغلاطی که نشان از عدم دقت کافی برای نشر این اثر دارد و در بسیاری موارد فهم سخن را دچار اشکال ساخته است. نمی‌توان از این اشکالات با سیر «حفظ امانت دستنویس» دفاع کرد؛ چرا که برطرف کردن مشکلات دستوری و نحوی کلام تا بدانجا که محتوا را مخدوش نسازد، دستبرد در متن نویسنده اثر به شمار نمی‌آید. به چند مورد از اشکالات نگارشی در زیر به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

— در زبان فارسی آهنگ غم‌انگیز که به شیون و زاری به کار می‌رود و رو به سوی مرگ و نیستی دارد وجود ندارد (ص ۱۲).

— در کتاب‌های عربی هم برای نمایاندن این تلفظ فارسی هاء را افزوده‌اند، همان کاری که ابن خردادبه در کتاب المسالک و الممالک (ص ۱۱۹).

— برای این شهر معروف شمال ایران یعنی ساری به همان گونه که یاء آخر در فارسی تلفظ می‌شود (یعنی ای) در عربی هم به همان گونه تلفظ شود، این هاء به آخر آن افزوده شده است (ص ۱۲).

— در این گفتار سخن از آن دسته از عرب‌ها و

عرب‌زبان‌هاست که ... تقلید کردند و با نقل آن به زبان عربی، دری تازه بر روی این زبان گشودند که از آن به افق‌هایی نو و دانش و فرهنگی کهن دست یافت (ص ۱۴).

— یکی از نخستین خوانندگان و نوازندگانی که در عربی به خوانندگی و نوازندگی پرداخت و اعراب را با آواز ایرانی که به آن غناء گفتند و همچنین با ساز ایرانی که آن را عود نامیدند آشنا ساخت خواننده‌ای بود که آن را ابن سریق می‌گفتند (ص ۱۵).

از مشکلات چاپی و ویرایشی کتاب که بگذریم، نکته قابل توجه و البته تأسف باری که در یادگارنامه وجود دارد تأخیر بسیار فراوان ناشر در چاپ این اثر است. در این کتاب نامه دعوت برای ارسال مقاله وجود دارد که تاریخ پذیرش مقاله را تا آخر شهریور ۱۳۷۸ قید کرده است؛ یعنی پانزده سال پیش از این. در صفحه بعد آن نیز نوشتار کوتاه دیگری وجود دارد حاوی شادمانی زنده‌یاد ایرج افشار برای چاپ این مجموعه که تاریخ آن به ۲۹ دی ماه ۱۳۸۷ باز می‌گردد، یعنی شش سال پیش از این و سه سال پیش از درگذشت خود استاد افشار. آیا هیچ توجیهی برای تأخیری چندین ساله قابل پذیرش است؟ تأخیری که جشن نامه یادگارنامه را به نوعی به سوگ‌نامه تبدیل کرده است.

آری یادگارنامه زمانی منتشر می‌شود که متأسفانه چهار تن از نویسندگان و مترجمان مقالات آن، چون خود استاد محمد محمدی ملایری دیگر در قید حیات نیستند.

